

وقت تنگ است و فرصت قلیل

زندگی سراسر ایثار و انفاق وی در سبیل امر حضرت بهاءالله به انتها رسید، ولی نیروی روحانی و معنویت وی همواره باقی و برقرار است. معهد اعلی در جواب یکی از احبّا که از صعود ناگهانی و غیر منتظره ی رحمت پریشان و اندوهگین گردیده بود چنین مرقوم فرمودند:

«... صعود ایادی محبوب امرالله دکتر مهاجر که شب و روز در سبیل نشر نجات الله و استحکام قوائم شریعة الله و امداد و تشویق احباءالله آواره ی بلاد بود فی الحقیقه بسیار موجب تأثر و حزن و تألم گردید، اما این نفوس مقدّسه که در مدّت حیات عنصری به چنین عبودیت فائز و به قربیت درگاه الهی واصل گردیدند در صعود به آشیان بقا تأییداتشان شدیدتر و امداداتشان به اهل بهاء بیشتر می رسد. باید آن قده ی حسنه را یاران باوفا به یاد آورند و از همان طریق عبودیت بپوبند و گوی سعادت برابند.»

داستان های بسیاری درباره ی زندگانی رحمت وجود دارد که ذکر آنها ناممکن است. شاید بتوان فقط گوشه ای از خصوصیات وی و جهانی از زندگی او را که باعث تشجیع یاران به پیروی از راه و روش خدمات او گردید تشریح نمود. او خدمات خود را نسبت به امر حضرت بهاءالله از اوایل زندگی آغاز کرد، ولی آنگاه که به زیارت حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۳ مشرف شد، روح و جسم او توأمأ در بحر خدمت به امر حضرت بهاءالله مستغرق گردید.

نظریات حضرت ولی محبوب امرالله درباره ی نقشه ی جهاد کبیر اکبر ده ساله چنان افکار و احساسات وی را در خود غوطه ور ساخت که در سراسر دوران حیات به مطالعه ی آن نقشه ی بدیعه و الواح فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء پرداخت.

آتش اشتیاق در برآورد. منویات حضرت ولی امرالله، روح بیقرار وی را در کام خود فرو برد، تا حدّی که فداکاری های ارادی او را در امر تبلیغ برای دوستان و همکارانش نیز نامفهوم می ساخت.

رحمت از استعداد و قابلیت فوق العاده ای برخوردار بود و اگرچه تمایل قلبی او تحصیل در رشته ی فیزیک و مهندسی بود، ولی او رشته ی پزشکی را انتخاب کرد تا قادر باشد به امر هجرت اقدام نماید و انصافاً در این دانش نیز طبیبی حاذق و پزشکی ماهر گردید.

فکر عمیق او قادر بود که وی را در امور مالی و تجاری نیز موفق سازد، ولی رحمت از استعداد خود برای سرمایه گذاری در امر الهی استفاده کرد. از همه ی مواهب جهان فانی و از جلب مقام و شهرت چشم پوشید و نظر را حصر در وصول به اهداف ملکوت کرد. در سنّ بیست و نه سالگی داوطلب هجرت شد و با همه ی اشکالات موجود موفق گردید که به یکی از سخت ترین نقاط مهاجرتی مذکور در نقشه ی ده ساله عزیمت نماید و یک تنه به معنای واقعی کلمه تمام آن ناحیه را منقلب کند. همواره در کار تبلیغ شتاب می کرد و منتظر نمی ماند که او را دعوت کنند. گرچه به جز در دو مورد خاص عریضه ای عرض نکرد و مزاحم هیکل مبارک ولی امر محبوب نشد، ولی ساعت های متمادی به درگاه جمال مبارک استغاثه می نمود که وی را لایق خدمت آستان آن ولی عزیز امرالله نماید. هرگاه کلمه ای تحسین آمیز از حضرت ولی امرالله نسبت به او صادر می شد، گویی روحی جدید در کالبد وی دمیده می شد. شتابش در خدمت

فزونی می گرفت ولی باز هم به تلاوت لوح احمد می پرداخت و از آستان حضرت بهاءالله استدعای استحقاق بندگی حضرت شوقی افندی ربّانی را می نمود. وی خدمت به امر جمال مبارک را امتیازی می دانست که هر فرد بهائی بایستی آن را با مجاهدت، زحمت، مرارت، و تجربه به دست آورد. خدمت به احبّاً را عنایتی عظیم می شمرد و این نظر خود را بارها به ساحت بیت العدل اعظم الهی معروض داشت.

منبع: دکتر مهاجر، نوشته ی ایران فروتن، صفحات ۵۸۵- ۵۸۶.

www.drmmohajer.org